

پاسخ نامه متون فقه

✓ سوال 61

تحریر الوسیله، مسأله ۱ احکام قسم - قسم فقط در صورتی صحیح است که به خداوند یا اسامی و اوصاف مختص او باشد؛ قسم به غیر خداوند (انبیا، اوصیا، کتب، اماکن مقدس) صحیح نیست.

✓ سوال 62

تحریر الوسیله، مسأله ۲ احکام قسم - قسم تنها وقتی معتبر است که به خدا باشد، حتی برای کافر. قسم به کتاب‌های آسمانی به تنهایی کافی نیست، ولی اگر همراه با اسم خدا باشد و باطل نباشد، اشکالی ندارد.

✓ سوال 63

طبق مسأله ۲ تحریر الوسيله احكام قسم، قسم تنها وقتی معتبر است که به خدا باشد، حتی برای کافر. قسم به کتاب‌های آسمانی به تنهایی کافی نیست؛ مگر همراه با اسم خدا باشد و باطل هم نباشد.

سوال 64

بر اساس مسأله ۳ تحریر الوسيله احكام قسم، اثری بر قسم به غیر خدا مترتب نیست، حتی اگر طرفین دعوا به آن راضی باشند. همچنین ضمیمه کردن غیر اسم خدا به خدا (مثل گفتن «به خدا و پیامبر») اثر ندارد. اما قسم به خدا، چه با صفات خاص ضمیمه شود یا نه، معتبر است. همچنین قسم به نام‌های اختصاصی خداوند (مانند «الله» یا «خالق») کفایت می‌کند، حتی اگر چیزی به آن ضمیمه شود.

سوال 65 ✓

طبق مسأله ۸ تحریر الوسیله احکام قسم، قبول تغلیظ بر حالف واجب نیست و اجبار او به تغلیظ جایز نمی باشد. اگر از تغلیظ امتناع کند، نکول به حساب نمی آید. در اموال، ترک تغلیظ ارجح دانسته شده است، هر چند تغلیظ در سایر حقوق مستحب است.

سوال 66 ✓

طبق مسأله ۹ تحریر الوسیله، وکالت و نیابت در قسم مطلقاً باطل است. اگر کسی دیگری را وکیل یا نایب خود کند تا به جای او قسم بخورد، چنین سوگندی هیچ اثری ندارد و دعوا با آن خاتمه نمی یابد.

سوال 67 ✓

طبق مسأله ۱۳ احکام قسم، قسم در دعاوی مالی و

برخی دعاوی غیرمالی (مانند نکاح و طلاق) معتبر است، اما در حدود جایگاهی ندارد؛ زیرا حدود فقط با اقرار یا بیّنه معتبر ثابت می‌شود. در دعاوی سرقت، چون متضمن حق الناس (مال مسروقه) است، قسم در آن نسبت به مال معتبر است؛ اما نسبت به «قطع دست» که از حقوق الله است، قسم اثری ندارد.

✓ سوال 68

طبق مسأله ۳ احکام ید، اصل این است که وقتی مالی در دست دو نفر قرار دارد، ید هر کدام نسبت به نصف آن است و حکم به اشتراک و ملکیت مشاع بین آنها می‌شود. اقوال دیگر مانند اینکه دست هر کدام بر کل مال است یا ملکیت مستقل برای هر دو وجود دارد، قول ضعیف و مردود است.

✓ سوال 69

طبق مسأله ۵ احکام ید، اگر مدعی علیه بعد از صدور

حکم، بیّنه اقامه کند که مال در حال حاضر ملک اوست، حکم تغییر می‌کند و مال به او بازمی‌گردد. اما اگر فقط ادعا کند که مال در زمان دعوای نخست متعلق به او بوده، در صحت نقض حکم دو قول است و «بعید نیست که حکم نقض نشود». بنابراین قول اقوی این است که حکم اولیه باقی بماند و نقض نشود.

سوال 70

مطابق مسأله ۳ پایانی که دو فصل دارد، انفاذ حکم توسط قاضی دوم در حقیقت امضای همان حکم اول است و استقلالی ندارد. چون قطع خصومت به حکم قاضی اول حاصل شده و قاضی دوم فاقد علم و شرایط لازم برای صدور حکم در همان واقعه است. بنابراین، انفاذ یا عدم انفاذ او در واقع تفاوتی ایجاد نمی‌کند.